

Submit Date: 22 December 2025

Revise Date: 17 April 2026

Accept Date: 22 April 2026

Initial Publish: 26 April 2026

Final Publish: 22 June 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Jurisprudential and Legal Validity of AI-Based Contracts as an Electronic Agent in the Formation of Transactions

Mohammad Amin Rezvani^{1*}

1. MA, Department of Private Law, University of Isfahan, Isfahan, Iran

* Corresponding Author's Email: mohammad.rezvani1377@gmail.com

ABSTRACT

The objective of this study is to determine, through an examination of the jurisprudential (fiqh) and legal foundations of Iran, the validity of contracts in which artificial intelligence functions as an electronic agent in their formation. The research context is grounded in fundamental concepts of contract law—such as intention, legal capacity, and mutual consent—in the digital era. Given the absence of consciousness and independent will in artificial intelligence, this study analyzes its role either as a mere instrument or as an autonomous agent, in order to clarify under which scenarios such contracts are considered valid and under which they are deemed void. This research is theoretical in nature and has been conducted using a descriptive–analytical method. The findings indicate that the validity of AI-based contracts is contingent upon the legal capacity and intention of the human agent; where artificial intelligence serves an instrumental role, the transaction is valid, whereas in cases of its assumed independence, the transaction is void, and liability ultimately reverts to the human actor. Accordingly, AI-based contracts are valid when AI operates as a tool, but void when it functions as an independent agent; in all cases, responsibility remains with the human.

Keywords: *Jurisprudential and legal validity, contract, artificial intelligence, electronic agent, formation of transaction*

تاریخ ارسال: ۱ دی ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۸ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۶ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

اعتبار فقهی و حقوقی قراردادهای مبتنی بر هوش مصنوعی به عنوان عامل الکترونیکی در انعقاد معامله

محمد امین رضوانی^{*}

۱. کارشناسی ارشد، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: mohammad.rezvani1377@gmail.com

چکیده

هدف این است که با بررسی مبانی فقهی و حقوقی ایران، اعتبار قراردادهایی که هوش مصنوعی در انعقاد آنها نقش عامل الکترونیکی دارد، مشخص شود. زمینه تحقیق، مفاهیم بنیادین حقوق قراردادهای مانند اراده، اهلیت، و تراضی در عصر دیجیتال است، و این بررسی با توجه به فقدان شعور و اراده مستقل در هوش مصنوعی، نقش آن را به عنوان ابزار یا عامل مستقل مورد تحلیل قرار می‌دهد تا روشن شود قراردادهای در کدام سناریو معتبر و در کدام سناریو باطل تلقی می‌شوند. این تحقیق از نوع نظری بوده و به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است یافته‌ها نشان می‌دهند اعتبار قراردادهای هوش مصنوعی منوط به اهلیت و اراده عامل انسانی است؛ در صورت نقش ابزاری هوش مصنوعی، معامله صحیح و در صورت استقلال آن، معامله باطل است و مسئولیت به انسان بازمی‌گردد. قراردادهای هوش مصنوعی در صورت نقش ابزاری معتبر و در صورت استقلال عامل، باطلند؛ مسئولیت همواره با انسان است.

کلیدواژگان: اعتبار فقهی و حقوقی، قرارداد، هوش مصنوعی، عامل الکترونیکی، انعقاد معامله

مقدمه

با گسترش شتابان فناوری‌های دیجیتال و ورود هوش مصنوعی به ساختارهای تصمیم‌گیری، تحلیل داده و مدیریت فرایندهای اقتصادی، پرسش‌هایی بنیادین در حوزه فقه و حقوق درباره اعتبار و آثار قراردادهایی که به واسطه عامل‌های الکترونیکی ایجاد می‌شوند، مطرح شده است. امروزه سامانه‌های هوشمند نه تنها ابزار کمکی برای انسان محسوب نمی‌شوند، بلکه در بسیاری از موارد نقش ایفاگر، تصمیم‌گیر و حتی مذاکره‌کننده را در فرایند انعقاد قرارداد بر عهده می‌گیرند؛ به گونه‌ای که اراده انسانی، به صورت مستقیم در همه مراحل حضور ندارد. این تحول، چالشی نوظهور در نظام‌های حقوقی و فقهی ایجاد کرده است؛ زیرا اعتبار قرارداد، بر پایه قصد و رضای طرفین، اهلیت، و تحقق شرایط اساسی صحت معامله استوار بود و اکنون باید سنجید که آیا «اراده مصنوعی» یا «اراده نمایندگی شده از سوی الگوریتم» می‌تواند جایگزین اراده واقعی انسان شود و در نتیجه قرارداد را الزام‌آور کند یا خیر.

در حوزه حقوقی، مباحثی همچون شناسایی شخصیت مستقل برای هوش مصنوعی، امکان انتساب اراده، نحوه تخصیص مسئولیت و تعیین ماهیت حقوقی عامل الکترونیکی مورد توجه قرار گرفته است. از یک سو، برخی تحلیل‌ها عامل هوش مصنوعی را ابزاری پیشرفته می‌دانند که در چارچوب قواعد موجود، مانند وکالت، نمایندگی یا وسیله ارتباطی، قابل توجیه است. از سوی دیگر، سطح پیچیدگی و خودمختاری برخی سامانه‌ها باعث شده است که نظریات جدیدی در خصوص مسئولیت مبتنی بر خطر، تحلیل‌های شبه‌شخصیت حقوقی و الگوهای مبتنی بر اعتماد شکل گیرد. این پرسش که آیا قرارداد ایجادشده توسط هوش مصنوعی در حکم قرارداد طرف انسانی است یا باید به‌عنوان یک پدیده نوین با قواعد اختصاصی بررسی شود، همچنان محل اختلاف است.

در حوزه فقه اسلامی نیز وضعیت مشابهی مشاهده می‌شود. قواعدی نظیر قصد، رضا، اهلیت، مباشرت یا تسبیب، و همچنین مفهوم وسیله یا آلت، به‌طور مستقیم در تحلیل معاملات الگوریتمی نقش دارند. این که آیا رفتار سامانه هوش مصنوعی می‌تواند به مالک آن منتسب شود، یا این که آیا وجود واسطه‌ای غیرانسانی خللی در تحقق قصد معتبر ایجاد می‌کند، نیازمند تبیین دقیق با تکیه بر اصول فقهی همچون بنای عقلا، اصل صحت، و قاعده ید است. از منظر فقهی، تمایز میان ابزار بی‌اراده و عامل هوشمند برخوردار از قدرت یادگیری و تصمیم‌گیری نیز بررسی‌های عمیق‌تری را ایجاب می‌کند؛ زیرا هرچه سامانه پیچیده‌تر و مستقل‌تر عمل کند، نسبت دادن فعل و قصد به انسان دشوارتر می‌شود و این مسئله در حکم صحت معامله اثر مستقیم دارد.

با توجه به گسترش کاربرد قراردادهای مبتنی بر هوش مصنوعی در حوزه‌های مالی، تجارت الکترونیک، بیمه، خدمات دیجیتال و مدیریت دارایی، فقدان چارچوب مشخص فقهی و حقوقی می‌تواند زمینه‌ساز اختلافات، بی‌ثباتی معاملات و کاهش اعتماد عمومی شود. بنابراین، تحلیل اعتبار فقهی و حقوقی این نوع قراردادها ضرورتی جدی برای نظام حقوقی و فقهی ایران به شمار می‌رود. هدف این پژوهش بررسی مبانی نظری و عملی این مسئله، تبیین معیارهای اعتبار، و ارائه چارچوبی منسجم است تا علاوه بر هم‌سویی با معیارهای شرعی و قانونی، توان پاسخ‌گویی به نیازهای نوپدید عصر هوش مصنوعی را داشته باشد.

مواد و روش‌ها

مقاله چون توصیفی‌تحلیلی است و در آن از روش پرسش‌نامه و مصاحبه استفاده نشده، لذا برای جمع‌آوری داده از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهند اعتبار قراردادهای هوش مصنوعی منوط به اهلیت و اراده عامل انسانی است؛ در صورت نقش ابزاری هوش

مصنوعی، معامله صحیح و در صورت استقلال آن، معامله باطل است و مسئولیت به انسان بازمی‌گردد.

بحث

مباحث متفرع در راستای موضوع این تحقیق، به شرح ذیل مطرح می‌گردد.

تعریف هوش مصنوعی

هوش در معنای عمومی به توانایی سازگاری مؤثر با شرایط محیطی از طریق تغییرات فردی یا کشف راه‌حل‌های جدید اطلاق می‌شود (Ahmadi et al., 2013) و در کاربردهای زبانی نیز معادل زیرکی، فهم و ادراک است (Dehkhoda, 1998). متخصصان هوش مصنوعی به‌جای تأکید بر این تعاریف مفهومی که بیشتر مورد توجه فلسفه و روان‌شناسی است، معمولاً رویکردی کاربردی اتخاذ می‌کنند؛ زیرا به باور آنان بحث‌های نظری درباره رابطه هوش و تفکر غالباً به جدال‌های لفظی منتهی می‌شود و سود عملی چندانی ندارد. از دیدگاه آنان، این دو اصطلاح بیشتر ناظر به توانایی‌های قابل اندازه‌گیری‌اند تا مفاهیم مجرد و اختلاف‌برانگیز (Ahmadi et al., 2013).

در برابر مفهوم «هوش»، واژه «مصنوعی» به چیزی اطلاق می‌شود که ساخته انسان بوده و در مقابل پدیده‌های طبیعی قرار می‌گیرد؛ ریشه این اصطلاح نیز از واژه «صنع» به معنای ساخته‌شده برگرفته شده است (Dehkhoda, 1998).

اگرچه تعریف واحد و قطعی برای «هوش مصنوعی» وجود ندارد، اما معمولاً این اصطلاح به مجموعه فناوری‌هایی گفته می‌شود که هدف آن‌ها شبیه‌سازی رفتارهای هوشمندانه انسان در ماشین‌هاست. این حوزه می‌کوشد توانایی‌هایی همچون یادگیری، استدلال، پردازش سریع و دقیق اطلاعات و استخراج نتایج را در سیستم‌های رایانه‌ای بازتولید کند (Qaemi-Nia, 2006). به بیان دیگر، هوش مصنوعی دانشی است که به طراحی ماشین‌ها و برنامه‌هایی می‌پردازد که قادر به انجام اعمال هوشمندانه‌اند. دلیل

اصلی نبود اتفاق نظر در مورد تعریف این فناوری، گستردگی مفهوم هوش و جلوه‌های متفاوت هوشمندی در انسان است. ویژگی‌هایی مانند قدرت مقایسه، ادراک روابط علی، توانایی مفهوم‌سازی و رفتار هدفمند از جمله ابعاد انسانی هوش‌اند و همین پیچیدگی باعث شده است که تعریف‌های متعددی در حوزه هوش مصنوعی ارائه شود (Bakouei & Zendeh Rouh, 2007).

بر اساس تعاریف رایج، می‌توان ماشین هوشمند را دستگاهی دانست که توانایی انجام فرایندهای مشابه تفکر انسانی را دارد. توضیح این مفهوم مستلزم توجه به ساختار مغز انسان است؛ مغزی که از شبکه‌ای عظیم شامل میلیاردها سلول عصبی تشکیل شده و پیچیدگی این شبکه الهام‌بخش طراحی مدل‌های مصنوعی بوده است. گرچه تعداد رشته‌های عصبی در جانداران ساده‌ای مانند کرم‌ها یا حشرات بسیار کمتر است، اما همین الگو نشان می‌دهد که ایجاد شبکه‌های مصنوعی می‌تواند پایه‌ای برای ساخت واحدهای هوش مصنوعی باشد (Whitby et al., 2017). تلاش امروز محققان تنها معطوف به بازسازی توان شناختی انسان نیست، بلکه هدف آن‌ها ساخت ماشین‌هایی است که بتوانند از تجربه بیاموزند، نسبت به احساسات واکنش نشان دهند یا دست‌کم آن‌ها را تشخیص دهند و همچون انسان بخشی از مهارت‌های خود را از طریق خطا و اصلاح به دست آورند (Saleh-Abadi et al., 2019).

در تعریفی دیگر، هوش مصنوعی به سامانه‌هایی اطلاق می‌شود که قادرند در شرایط پیچیده تصمیم‌گیری کنند، فرایندهای استدلال انسان‌محور را تقلید کنند و دانش تازه به دست آورند (Sarabadani & Amir, 2018). به همین دلیل، هوش مصنوعی را معمولاً عرصه‌ای میان‌رشته‌ای می‌دانند که در پیوندی میان فلسفه، ریاضیات، روان‌شناسی، مهندسی و اقتصاد رشد کرده است. در میان رویکردهای موجود، دو تقسیم‌بندی شناخته‌شده مطرح است: هوش مصنوعی «قوی» و «ضعیف». هوش مصنوعی

تعیین‌کننده‌ای ندارند و تقسیم‌بندی کلاسیک مبادلات به داخلی و خارجی اهمیت پیشین خود را از دست می‌دهد، زیرا جریان داده و ارتباطات الکترونیکی به گونه‌ای است که مکان فیزیکی طرفین یا مسیر انتقال کالا، معیار اصلی تلقی نمی‌شود (Nouri & Nakhjavani, 2017).

انعقاد قراردادهای الکترونیکی در بستر تجارت نوین مستلزم پذیرش مجموعه‌ای از قواعد هماهنگ است که بتواند در سطح ملی و فراملی کارآمد باشد. همین ضرورت هماهنگی، دلیل آن است که قانون تجارت الکترونیکی ایران نیز بر جنبه بین‌المللی این نوع مبادلات تأکید کرده و در ماده ۳ مقرر می‌کند که تفسیر احکام باید با توجه به ماهیت فرامرزی تجارت الکترونیکی و نیاز به هماهنگی میان کشورها صورت گیرد و اصل حسن‌نیت در آن رعایت شود (Arasteh, 2017). در نتیجه، قرارداد الکترونیکی را می‌توان توافقی دانست که بر پایه تبادل الکترونیکی داده‌ها شکل گرفته و در چارچوبی منعطف و متناسب با ویژگی‌های تجارت دیجیتال، آثار حقوقی قراردادهای سنتی را به‌وجود می‌آورد.

توافق‌نامه الکترونیکی: اراده، اهلیت و نمایندگی در عصر دیجیتال

در تار و پود جوامع، انعقاد یک قرارداد به مثابه پیوندی است که اراده‌های مستقل افراد را برای رسیدن به مقصدی مشترک به هم گره می‌زند. این پیوند زمانی از استحکام حقوقی برخوردار می‌گردد که گره‌زنندگان، یعنی طرفین قرارداد، از «صلاحیت» لازم بهره‌مند باشند. این صلاحیت که در قاموس حقوقی «اهلیت» نامیده می‌شود، دو بال اساسی دارد: نخست، توانایی کسب حقوق و تعهدات (که حقوقدانان از آن به «اهلیت تملک» یا «تمتع» یاد می‌کنند) و دوم، توانایی اعمال و اجرای این حقوق (که با عنوان «اهلیت تصرف» یا «استیفا» شناخته می‌شود). این دو بال، لازمه وجود اراده‌ای سالم و نافذ در فرایند شکل‌گیری یک توافق حقوقی هستند.

قوی به دنبال ساخت ماشینی است که تمام توانایی‌های ادراکی انسان مانند فهم، آگاهی، اراده، یادگیری و استدلال را در سطح انسانی بازتولید کند؛ بنابراین تعاریف این رویکرد عمدتاً فعالیت‌های فکری انسان، از حل مسئله تا تصمیم‌گیری، را در نظر می‌گیرد (Matlabi, 2014). در مقابل، هوش مصنوعی ضعیف تنها بر انجام کارهای خاص در سطحی مشابه یا نزدیک به عملکرد انسان تمرکز دارد و ضرورتی برای داشتن آگاهی یا توانایی‌های ذهنی گسترده وجود ندارد. چنان‌که در یکی از تعاریف مشهور بیان شده: هوش مصنوعی مطالعه چگونگی واداشتن رایانه‌ها به انجام کارهایی است که انسان‌ها بهتر از آن‌ها انجام می‌دهند (Whitby et al., 2017).

گستره کاربردهای هوش مصنوعی نشان می‌دهد که این فناوری محدود به حوزه‌ای خاص نیست. فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی توانسته‌اند در حوزه‌هایی مانند ریاضیات، موسیقی، کشف تقلب‌های مالی، هنرهای بصری، تشخیص‌های پزشکی، آموزش و یادگیری به کار گرفته شوند و عملکردهایی ارائه دهند که تا چند دهه پیش تصور آن دشوار بود (Saleh-Abadi et al., 2019). همچنین، پژوهش‌ها و توسعه‌های این حوزه در شاخه‌هایی چون یادگیری ماشین، بینایی ماشین، الگوریتم‌های ژنتیک، پردازش زبان طبیعی، رباتیک، سیستم‌های خبره و شبکه‌های عصبی دنبال می‌شود؛ شاخه‌هایی که هر یک بخشی از مسیر دستیابی به ماشین‌های هوشمندتر را تشکیل می‌دهند.

تعریف قرارداد الکترونیکی

با توجه به تحولاتی که تجارت الکترونیکی در ماهیت مبادلات ایجاد کرده است، می‌توان قرارداد الکترونیکی را چنین تبیین کرد: قراردادی که اراده طرفین از طریق ابزارها و بسترهای دیجیتال مبادله می‌شود و تحقق آن وابسته به فناوری‌های ارتباطی است، نه حضور فیزیکی یا تبادل سنتی اسناد. در این نوع قرارداد، همانند ماهیت کلی تجارت الکترونیکی، مرزهای جغرافیایی نقش

قادر است از طریق نماینده قانونی خود آن حق را اعمال کند. فرد سفیه، نمونه بارز این حالت است؛ او می‌تواند صاحب حق اجاره ملک باشد، اما عقد اجاره باید توسط قیم یا ولی قهری او منعقد گردد. از این رو، یکی از نشانه‌های کلیدی «عدم اهلیت تصرف»، لزوم حضور نماینده قانونی است که به حکم شرع و قانون، بتواند حقوق فرد محجور را به نیابت از او اجرا نماید.

قانون‌گذار با تفکیک میان «حجر» و «عدم اهلیت تصرف»، سازوکارهای حمایتی متفاوتی را پیش‌بینی کرده است. در «عدم اهلیت تصرف»، هدف اصلی، پاسداری از فرد در برابر سوءاستفاده‌های احتمالی به دلیل فقدان تجربه، درایت یا شعور است (Katouzian, 2016; Safaei, 2000). این در حالی است که در موارد «عدم اهلیت تملک»، رویکرد قانون‌گذار بیشتر معطوف به حمایت از نظم عمومی و ایجاد محدودیت برای خود فرد است (Katouzian, 2016; Safaei, 2000; Shayegan, 1945). قانون مدنی نیز در مواد ۹۵۷ تا ۹۶۱ به تفصیل به مقوله اهلیت پرداخته است.

با در نظر گرفتن این مبانی، بررسی اعتبار فقهی و حقوقی قراردادهایی که در آن‌ها هوش مصنوعی (AI) به‌عنوان یک عامل الکترونیکی در فرایند معامله دخیل است، مستلزم واکاوی دقیق مفاهیم «اهلیت» و «اختیار» در این سپهر نوین است.

هوش مصنوعی به مثابه ابزار

چنانچه هوش مصنوعی را صرفاً ابزاری در دست‌انسان تلقی کنیم، همانند یک نرم‌افزار یا سامانه خودکار که تحت هدایت و اراده یک شخص حقیقی یا حقوقی عمل می‌کند، اعتبار قرارداد حاصله به اهلیت و اختیار شخص انسانی پشت پرده بستگی خواهد داشت. در این رویکرد، هوش مصنوعی فاقد اهلیت تملک و اجرا (استیفا) است و نمی‌تواند به خودی خود صاحب حقوق یا متعهد به تکالیف گردد. در چنین وضعیتی، معاملات صورت‌گرفته توسط

گاهی، صحنه معاملات، شاهد حضور کسانی است که به نیابت از دیگران، پای در میدان می‌گذارند. در چنین شرایطی، علاوه بر اهلیت شخصی، «اختیار» یا «سمت» قانونی برای دخالت در امور دیگری نیز شرط است. بدون این اختیار، حتی فردی که از سلامت اهلیت شخصی برخوردار است، نمی‌تواند اراده خود را در خصوص دارایی‌های دیگری اعمال کند و توافق او فاقد اثر حقوقی لازم خواهد بود.

«اهلیت تملک» (یا همان‌گونه که حقوقدانان مدنی با الهام از مفهوم برخورداری، از آن با عنوان «اهلیت تمتع» یاد کرده‌اند)، به فرد این امکان را می‌دهد که صاحب حق و تکلیف شود. هرچند واژه «تمتع» در لغت به معنای برخورداری است، اما در عرف حقوقی، ممکن است تمام گستره «اعمال حق» را پوشش ندهد؛ از این رو، «اهلیت تملک» به‌عنوان مفهومی روشن‌تر پیشنهاد شده است. در مقابل، «اهلیت تصرف» (یا «استیفا») قرار دارد که به شخص اجازه می‌دهد حقوق متعلق به خود را به مرحله اجرا درآورد؛ برای مثال، مالک، حق فروش یا اجاره ملک خود را دارد. اما حتی این اصطلاح نیز ممکن است در تمام موارد، به‌ویژه در انعقاد پیمان‌ها، گویای تمام مفهوم نباشد؛ لذا «اهلیت تصرف» در تقابل با «اهلیت تملک»، واژه جامع‌تری به نظر می‌رسد، زیرا تصرف در حق، مستلزم تملک آن است.

نکته حائز اهمیت آن است که هر صاحب حقی، لزوماً توانایی تصرف در آن را ندارد. کودک و فرد دیوانه، گرچه می‌توانند مالک مال شوند (اهلیت تملک)، اما از اعمال مستقیم حق خود بر آن اموال (اهلیت تصرف) ناتوانند و این مهم از طریق ولی یا قیم قانونی آن‌ها صورت می‌گیرد. این وضعیت در حقوق، «حجر» نامیده می‌شود.

در مقابل «عدم اهلیت تملک» که حالتی استثنایی و صرفاً ناشی از حکم صریح قانون است (مانند ناتوانی کودک در ازدواج)، «عدم اهلیت تصرف» وضعیتی است که فرد، ضمن دارا بودن حق، تنها

در حال حاضر، اعتبار قراردادهایی که عاملیت الکترونیکی مبتنی بر هوش مصنوعی در انعقاد آن‌ها نقش دارد، عمدتاً بر پایه «نمایدگی» یا «وکالت» انسان از سیستم، یا در نظر گرفتن سیستم به‌عنوان ابزاری در اختیار عامل انسانی استوار است. تا زمانی که نظام‌های حقوقی و فقهی، چارچوب‌های مفهومی و قانونی لازم برای پذیرش نوعی «اهلیت» یا «شخصیت» برای عامل‌های هوش مصنوعی را فراهم نسازند، قراردادهای منعقد شده با دخالت مستقیم آن‌ها، فاقد اعتبار و نفوذ حقوقی مستقل خواهند بود و همواره به اعتبار و اهلیت عامل انسانی وابستگی خواهند داشت. ضروری است تا پژوهش‌های بیشتری در این حوزه صورت گیرد تا ثبات و اطمینان لازم در معاملات عصر هوش مصنوعی تضمین گردد.

در ارزیابی اعتبار فقهی و حقوقی قراردادهایی که در آن‌ها هوش مصنوعی (AI) به‌عنوان یک عامل الکترونیکی نقش ایفا می‌کند، نخستین گام، بازنگری در مبانی اهلیت طرفین در حقوق ایران و فقه امامیه است. اهلیت، که شرط لازم برای صحت هرگونه معامله است، به دو ستون اصلی تقسیم می‌شود: «اهلیت تمتع» (توانایی برخورداری از حقوق) و «اهلیت استیفا» (توانایی اعمال حقوق) (Katouzian, 1990). قانون مدنی ایران نیز در مواد ۲۱۰ تا ۲۱۳، اهلیت متعاملین را شرط صحت معاملات دانسته و بر لزوم بلوغ، عقل و رشد تأکید ورزیده است (ماده ۲۱۰ و ۲۱۱ قانون مدنی). این در حالی است که عدم وجود این صفات، منجر به بطلان (ماده ۲۱۲ قانون مدنی) یا عدم نفوذ (ماده ۲۱۳ قانون مدنی) معامله می‌شود، مفهومی که در برخی موارد با تعریف «حجر» در ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی (صغیر، سفیه و مجنون) که معاملات محجوران همواره باطل نیست، بلکه گاه غیرنافذ یا صحیح است، هم‌پوشانی دارد (Katouzian, 2016; Safaei, 2000).

حضرت آیت‌الله خویی، از فقهای نامدار، در تبیین شرایط اهلیت تصرف، بر دو شرط بنیادین عقل و بلوغ تأکید داشته‌اند؛ عقل به معنای سلامت قوای ادراکی و بلوغ به معنای رسیدن به سن شرعی

این سیستم، در واقع به نام و از سوی صاحب یا اپراتور انسانی آن منعقد شده و اعتبارشان منوط به اهلیت وی خواهد بود.

هوش مصنوعی به مثابه عاملی مستقل

اما اگر رویکردی فراتر در پیش گیریم و هوش مصنوعی را عاملی با قابلیت تصمیم‌گیری مستقل و یادگیری پویا بدانیم، با چالش‌های جدی‌تری مواجه می‌شویم. در این حالت، این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان برای چنین سیستمی، نوعی «اهلیت» یا «شخصیت حقوقی» قائل شد؟

از منظر فقهی، اهلیت که به معنای قابلیت دارا شدن و اجرای حق است، با مفاهیمی چون قصد، رضا، بلوغ، عقل و رشد پیوند خورده است. سیستم‌های هوش مصنوعی از این اوصاف انسانی بی‌بهره‌اند. آن‌ها فاقد اراده انسانی، شعور و درک به معنای متعارف هستند (Qaemi-Nia, 2006)؛ بنابراین، نسبت دادن قصد و رضای مستقل به آن‌ها از منظر فقهی، با موانع اساسی روبه‌روست. هرچند ممکن است قواعد فقهی مانند «بنای عقلا» در برخی ابعاد راهگشا باشد، اما همچنان مسئله اصلی، فقدان رکن بنیادین «قصد» در عامل غیرانسانی است.

نظام حقوقی نیز، اگرچه با اعطای شخصیت حقوقی به اشخاص حقوقی، دامنه مفهوم «اهلیت» را گسترش داده است، اما این اعتبارات حقوقی نیز بر پایه نیازهای اجتماعی و با هدف تسهیل روابط اقتصادی و تنظیم جامعه صورت گرفته است (Katouzian, 2016; Safaei, 2000). اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی، نیازمند بازنگری بنیادین در مفاهیم کلیدی حقوقی، از جمله «اراده»، «مسئولیت» و «اهلیت» است. اگرچه تحلیل‌های حقوقی مبتنی بر «خطر» یا «مسئولیت ناشی از تولید محصول معیوب» می‌تواند در تعیین مسئولیت نهایی مؤثر باشد، اما این تحلیل‌ها جایگزین مفهوم اهلیت و قصد در زمان انعقاد عقد نیستند.

(Safaei, 2000). با این وجود، قانون مدنی ایران، شرط «رشد» را نیز به این دو افزوده است. رشد، که به معنای توانایی اداره امور مالی و اقتصادی است، مرحله‌ای پس از بلوغ و عقل محسوب می‌شود؛ اما فردی ممکن است بالغ و عاقل باشد، ولی به دلیل عدم رشد کافی، همچنان سفیه تلقی شده و در جرگه محجوران قرار گیرد (Katouzian, 2016; Safaei, 2000). در اصطلاحات فقهی و حقوقی، صغیر (غیر بالغ)، سفیه (فاقد رشد) و مجنون (دیوانه) «محجور» نامیده می‌شوند.

چالش‌های اهلیت هوش مصنوعی در معاملات

حال با در نظر گرفتن این مبانی، به بررسی اعتبار هوش مصنوعی در انعقاد معاملات می‌پردازیم. هوش مصنوعی، به عنوان یک عامل الکترونیکی، از صفات ذاتی و انسانی لازم برای احراز اهلیت تمتع و استیفا محروم است. این سیستم‌ها، گرچه توانایی پردازش حجم عظیمی از اطلاعات و حتی شبیه‌سازی رفتارهای انسانی را دارا هستند، اما فاقد «عقل» به معنای ادراک درونی و شعور، «بلوغ» شرعی و «رشد» به معنای توانایی مدیریت امور مالی می‌باشند. از منظر فقهی، اهلیت تصرف منوط به عقل و بلوغ شرعی است و هوش مصنوعی فاقد این شرایط اساسی است (Safaei, 2000). در نتیجه، نسبت دادن «قصد» و «رضا» به صورت مستقل به هوش مصنوعی، با موانع جدی روبه‌روست.

در حقوق ایران، ماده ۲۱۲ قانون مدنی به صراحت معاملات با اشخاص فاقد بلوغ، عقل یا رشد را باطل اعلام کرده است. همچنین، ماده ۲۱۳ معاملات با محجورین را غیرنافذ می‌شمارد. با توجه به این که هوش مصنوعی فاقد این صفات است، نمی‌توان آن را در زمره اشخاص دارای اهلیت تصرف جای داد. در مواردی که هوش مصنوعی به عنوان عاملی الکترونیکی در انعقاد معامله دخیل است، اگر این دخالت صرفاً در حد اجرای دستورات یا پردازش اطلاعات باشد و اراده نهایی متعلق به عامل انسانی باشد، اعتبار معامله همچنان به اهلیت آن عامل انسانی وابسته خواهد بود. در

چنین سناریویی، هوش مصنوعی صرفاً به مثابه ابزار یا واسطه‌ای عمل می‌کند که خود فاقد شخصیت حقوقی و اهلیت مستقل است. برخی دیدگاه‌ها ممکن است استدلال کنند که هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان نماینده یا حتی دارای نوعی «شخصیت حقوقی» مصنوعی در نظر گرفته شود. با این حال، در نظام حقوقی کنونی، پذیرش شخصیت حقوقی مستقل برای هوش مصنوعی با موانع نظری و عملی قابل توجهی مواجه است. تا زمانی که چارچوب‌های قانونی و فقهی مشخصی برای احراز «اهلیت» یا «شخصیت» برای سیستم‌های هوشمند تدوین و پذیرفته نشود، اعتبار و نفوذ قراردادهایی که هوش مصنوعی در انعقاد آن‌ها نقش دارد، عمدتاً به اهلیت و اراده عامل انسانی ناظر بر آن وابسته خواهد بود. در غیر این صورت، و در مواردی که هیچ عامل انسانی دخیل نباشد و هوش مصنوعی به صورت مستقل عمل کند، با توجه به عدم احراز شرایط اهلیت، چنین معاملاتی در زمره موارد بطلان قرار گرفته و مصداقی برای عدم نفوذ نخواهند داشت؛ مگر آن که در آینده، تحولات بنیادین در مفاهیم اهلیت و شخصیت حقوقی رخ دهد.

نتیجه‌گیری

مسئله اعتبار فقهی و حقوقی قراردادهایی که در آن‌ها هوش مصنوعی به عنوان عامل الکترونیکی در فرایند انعقاد معامله نقش‌آفرینی می‌کند، یکی از چالش‌های نوظهور و مهم در تقاطع فناوری و حقوق است؛ چالشی که نه تنها به پرسش‌هایی درباره قابلیت‌های تکنیکی هوش مصنوعی مربوط می‌شود، بلکه مستقیماً با بنیادهای نظری حقوق قراردادهای، مفاهیم سنتی اراده، رضایت، اهلیت، شخصیت حقوقی، و مسئولیت گره می‌خورد. در نظام فقهی و حقوقی ایران، عقد زمانی معتبر و نافذ است که اراده طرفین، سالم و مبتنی بر اختیار بوده و از شخصی صادر شود که واجد شرایط قانونی «اهلیت» باشد. این اهلیت در فقه امامیه مبتنی بر دو رکن عقل و بلوغ و در حقوق مدنی ایران با شرط رشد تکمیل شده

بر پایه همین مبانی، اگر هوش مصنوعی به صورت مستقل «معامله‌ای را منعقد کند»، چنین معامله‌ای از حیث حقوقی باطل خواهد بود؛ زیرا یکی از ارکان عقد یعنی «طرف واجد اهلیت و اراده معتبر» اساساً وجود ندارد. در فقه، چنین موجودی در حکم صبی یا مجنون نیست، بلکه خارج از دایره اشخاصی است که می‌توانند موضوع خطاب و تکلیف قرار گیرند. در حقوق مدنی نیز، شخصیت حقوقی صرفاً در دو حالت شناسایی می‌شود: شخصیت حقیقی (انسان) و شخصیت حقوقی (نهادهایی که قانون به آن‌ها شخصیت اعطا کرده است). هوش مصنوعی اکنون در هیچ‌یک از این دو قالب نمی‌گنجد؛ زیرا قانون، موجودیت مستقلی برای آن تعریف نکرده و ساختارهای فقهی نیز توان پذیرش مفهوم «اراده غیرانسانی» را ندارند. بنابراین، تا زمانی که قانون‌گذار به صراحت صلاحیت، اهلیت، یا شخصیت حقوقی جدیدی برای هوش مصنوعی ایجاد نکرده باشد، قراردادهای مبتنی بر هوش مصنوعی مستقل، فاقد هرگونه اعتبار هستند. از منظر مسئولیت نیز همین منطبق ادامه پیدا می‌کند. هر قراردادی که به کمک هوش مصنوعی منعقد شود، نهایتاً به شخص انسانی بازمی‌گردد؛ چه به عنوان مالک سیستم، چه ایجادکننده آن، چه کاربر آن، و چه کسی که هوش مصنوعی را برای اجرای وظیفه‌ای به کار گرفته است. بنابراین، مسئولیت حقوقی اعمال هوش مصنوعی، حتی در حالت پیشرفته‌ترین الگوریتم‌ها، قابل انتساب به انسانی است که این سیستم را به کار گرفته است. این امر نه تنها با اصول فقهی مربوط به مباشرت و تسبیب سازگار است، بلکه با قواعد حقوقی مربوط به انتساب عمل فضولی یا نیابت نیز همخوانی دارد. در نهایت، بحث از «شخصیت حقوقی الکترونیکی» نه تنها در حقوق ایران جایگاهی ندارد، بلکه از منظر فقه امامیه نیز با موانع جدی نظری روبه‌روست. اعطای شخصیت حقوقی به هوش مصنوعی مستلزم تعریف جدیدی از اراده، قصد، مسئولیت، و اهلیت است؛ مفاهیمی که ریشه در انسان‌شناسی فقهی و حقوقی دارند و انتقال آن‌ها به

است. از آن‌جا که این شروط بر موجودی انسانی و ذی‌عقل استوارند، و چون هوش مصنوعی فاقد چنین ویژگی‌هایی است، حتی پیشرفته‌ترین انواع آن نیز نمی‌توانند در چارچوب موجود به‌عنوان طرف قرارداد تلقی شوند. چنانچه قرارداد، بر پایه داده‌هایی منعقد شود که یک سیستم هوشمند پردازش کرده یا پیشنهادی را او ارائه کرده باشد، این امر به‌خودی‌خود تأثیری در اعتبار معامله ندارد؛ اعتبار چنین قراردادی تنها در صورتی شکل می‌گیرد که عاملی انسانی که دارای اهلیت کامل است، این نتایج را پذیرفته، تأیید کرده، یا به نوعی اراده خود را در پس عملکرد هوش مصنوعی اعمال کرده باشد. بنابراین، نقش هوش مصنوعی در قالب ابزار، واسطه، تسهیل‌کننده، یا نماینده غیرمستقل، با اصول حقوقی سازگار است و هیچ تعارض بنیادینی ایجاد نمی‌کند، زیرا در همه این موارد، اراده انسانی است که نهایتاً تحقق می‌یابد، و این اراده، عنصر ضروری تراضی و شکل‌گیری عقد است. به بیان دیگر، تا زمانی که انسان دارای اهلیت، تصمیم‌گیرنده نهایی باشد، قرارداد از نظر حقوقی و فقهی معتبر است و اعمال هوش مصنوعی به‌عنوان ابزار، همانند استفاده از رایانه، نرم‌افزار، یا هر وسیله دیگری تلقی می‌شود. اما چالش اصلی در جایی پدیدار می‌شود که هوش مصنوعی نه صرفاً ابزار، بلکه عامل مستقل در انعقاد قرارداد تصور شود؛ یعنی هنگامی که سیستم، بدون نظارت یا تأیید انسانی، پیشنهاد دهد، بپذیرد، مذاکره کند، یا حتی معامله‌ای را نهایی سازد. در این فرض، بحث از اعتبار قرارداد با مسئله بنیادین «اراده» گره می‌خورد، زیرا اراده در مفهوم فقهی و حقوقی، فرایندی آگاهانه، مبتنی بر اختیار، قصد، و شعور انسانی است. هوش مصنوعی، هرچند قادر به پردازش پیچیده، تولید متن، تصمیم‌گیری الگوریتمی و حتی شبیه‌سازی رفتارهای ارادی انسانی است، اما فاقد ذات آگاهانه، شعور درونی، قصد واقعی، و اختیار آزادانه است. این فقدان نه تنها مانع انتساب اراده واقعی به آن است، بلکه موجب می‌شود که نتوان برای آن اهلیت حقوقی یا فقهی قائل شد.

وضعیت، باید تحولاتی در سطح قانون‌گذاری و حتی مبانی نظری حقوق صورت گیرد؛ تحولاتی که نه تنها نیازمند اجماع حقوقی است، بلکه باید با اصول فقهی نیز هماهنگ شود. تا زمانی که چنین بازنگرایی‌هایی انجام نشده است، تکیه‌گاه اصلی اعتبار این‌گونه قراردادهای همان انسان دارای اهلیت است، و نقش هوش مصنوعی صرفاً نقش ابزاری و غیرمستقل باقی خواهد ماند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The rapid expansion of digital technologies and the increasing integration of artificial intelligence into decision-making, data analysis, and the management of economic processes have generated profound legal and jurisprudential questions regarding the validity of contracts formed through electronic agents. In contemporary transactional environments, intelligent systems are no longer confined to auxiliary roles; rather, they frequently act as decision-makers, negotiators, and autonomous executors within the process of contract formation. This transformation challenges foundational doctrines of contract law, particularly those centered on intention, consent, and legal capacity. Classical legal theory presumes that a valid contract arises from the concurrence of two conscious and autonomous wills, each possessing the capacity to understand and undertake legal obligations. However, artificial intelligence lacks consciousness, independent volition, and moral agency, raising critical concerns as to whether algorithmically generated decisions can be equated with human intent. The issue is further complicated by the emergence of adaptive and self-learning systems, whose outputs are not entirely predictable even to their developers.

موجودی غیرذی‌روح و فاقد شعور، یک تغییر پارادایم بنیادین خواهد بود. در نتیجه، بر پایه قوانین موجود و مبانی مستحکم فقهی، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که قراردادهایی که در آنها هوش مصنوعی نقش ابزار یا واسطه‌ای را ایفا می‌کند، در صورتی معتبرند که انسان دارای اهلیت تصمیم‌گیرنده اصلی باشد و اراده واقعی او بر انعقاد قرارداد تأثیرگذار باشد. اما قراردادهایی که به صورت مستقل توسط هوش مصنوعی و بدون دخالت مؤثر انسانی منعقد شوند، به دلیل فقدان یکی از اساسی‌ترین شروط صحت عقد، یعنی وجود اراده معتبر و اهلیت قانونی، در زمره معاملات باطل قرار می‌گیرند. روشن است که برای تغییر این

Consequently, the central inquiry is whether “algorithmic intention” or “delegated intention” can satisfy the legal requirements of valid consent, or whether such constructs merely simulate, rather than embody, genuine legal will (Ahmadi et al., 2013; Qaemi-Nia, 2006). The debate reflects a broader tension between technological innovation and doctrinal stability, requiring a re-examination of the conceptual foundations of contract law in light of the digital transformation of transactional practices.

From a doctrinal perspective, legal systems have approached artificial intelligence primarily through analogical reasoning, attempting to situate it within existing frameworks such as agency, representation, or instrumental tools. In this view, artificial intelligence operates as an extension of human will, similar to other technological intermediaries that facilitate communication and execution of contractual obligations. Such an approach preserves the primacy of human intention by attributing the actions of the system to the individual or entity that deploys it. However, this interpretation becomes increasingly strained as AI systems demonstrate higher levels of autonomy, adaptability, and decision-making complexity. Some scholars have therefore proposed

alternative models, including risk-based liability frameworks, quasi-legal personality constructs, and trust-based regulatory approaches, in order to address the novel challenges posed by autonomous systems. These emerging theories reflect an acknowledgment that traditional legal categories may be insufficient to fully capture the operational realities of artificial intelligence. Nonetheless, the attribution of independent legal personality to AI remains controversial, as it requires a fundamental redefinition of core legal concepts such as will, responsibility, and accountability (Matlabi, 2014; Whitby et al., 2017). As a result, the legal status of AI-generated contracts remains unsettled, with ongoing debates regarding whether such agreements should be treated as conventional contracts mediated by technology or as a distinct category necessitating specialized legal rules.

In Islamic jurisprudence, parallel concerns arise regarding the validity of contracts formed through non-human intermediaries. Foundational principles such as intention, consent, legal capacity, and causation play a central role in determining the legitimacy of contractual relations. The concept of intention, in particular, is intrinsically linked to human consciousness and moral accountability, rendering its attribution to artificial systems highly problematic. While jurisprudential doctrines such as the presumption of validity and rational custom may provide some flexibility in accommodating technological developments, they do not eliminate the requirement for a genuine human will underlying contractual commitments. The distinction between a passive instrument and an autonomous agent becomes crucial in this context, as the former can be readily assimilated into existing legal frameworks, whereas the latter challenges the very basis of contractual legitimacy. As artificial intelligence systems become more

sophisticated, the difficulty of attributing their actions to human actors increases, thereby complicating the application of traditional jurisprudential rules. This necessitates a nuanced analysis that reconciles technological capabilities with the normative requirements of Islamic legal theory, ensuring that innovations do not undermine the foundational principles governing contractual relations (Qaemi-Nia, 2006; Sarabadani & Amir, 2018).

The analysis of electronic contracts further underscores the transformative impact of digital technologies on legal practice. Electronic contracts are characterized by the exchange of consent through digital platforms, eliminating the need for physical presence and traditional documentation. This shift has redefined the spatial and temporal dimensions of contractual interactions, rendering geographical boundaries increasingly irrelevant. Legal systems have responded by developing regulatory frameworks that emphasize harmonization, good faith, and cross-border compatibility. In Iran, for example, electronic commerce law reflects an awareness of the international nature of digital transactions and the necessity of aligning domestic regulations with global standards. Within this context, artificial intelligence functions as a facilitator of contractual processes, enhancing efficiency and enabling real-time decision-making. However, the reliance on automated systems also introduces new risks, including errors, biases, and unforeseen consequences arising from algorithmic operations. These risks highlight the importance of maintaining a clear link between the outcomes generated by AI systems and the human agents responsible for their deployment. Accordingly, the validity of electronic contracts involving artificial intelligence depends not only on compliance with formal legal requirements but also on the preservation of substantive principles such as

intention and capacity (Arasteh, 2017; Nouri & Nakhjavani, 2017).

A critical dimension of this inquiry concerns the concept of legal capacity, which constitutes a fundamental condition for the validity of contractual obligations. Legal capacity encompasses both the ability to acquire rights and the ability to exercise those rights. In both Islamic jurisprudence and Iranian civil law, these capacities are contingent upon attributes such as rationality, maturity, and financial competence, which are inherently human characteristics. Artificial intelligence systems, despite their advanced computational abilities, lack these essential attributes and therefore cannot be recognized as independent legal subjects. This limitation has significant implications for the attribution of intention and responsibility in AI-mediated transactions. Where artificial intelligence operates merely as an instrument under human control, the resulting contracts can be considered valid, as the requisite intention and capacity are ultimately derived from the human agent. Conversely, if AI is perceived as acting independently, without direct human oversight or authorization, the absence of legal capacity renders the contract void. This distinction highlights the centrality of human agency in maintaining the integrity of contractual relations and underscores the challenges associated with extending legal recognition to non-human entities (Katouzian, 2016; Safaei, 2000).

The findings of this study demonstrate that the jurisprudential and legal validity of AI-based contracts is fundamentally contingent upon the role assigned to artificial intelligence within the contractual process. When AI functions as a tool, intermediary, or non-independent representative, its involvement does not undermine the validity of the contract, as the essential elements of intention and capacity remain attributable to a human actor. In such cases, artificial intelligence

serves as a means of facilitating the expression and execution of human will, analogous to other technological instruments. However, when AI operates as an autonomous agent, making decisions and concluding agreements without meaningful human intervention, the absence of genuine intention and legal capacity precludes the recognition of such contracts as valid. This conclusion is consistent with both jurisprudential principles and civil law doctrines, which emphasize the indispensability of human agency in the formation of binding legal obligations. Furthermore, the attribution of liability in AI-mediated transactions invariably reverts to the human individuals or entities responsible for the design, deployment, or use of the system, reflecting the enduring centrality of human accountability in legal systems (Saleh-Abadi et al., 2019; Sarabadani & Amir, 2018).

In conclusion, the current legal and jurisprudential frameworks in Iran do not support the recognition of artificial intelligence as an independent contractual party. The validity of AI-mediated contracts depends entirely on the presence of a competent human agent whose intention underlies the transaction. While artificial intelligence can enhance efficiency and expand the scope of contractual interactions, it cannot replace the foundational elements of human will and legal capacity that define valid contractual relationships. Therefore, contracts formed solely through autonomous AI systems, without effective human involvement, must be regarded as void due to the absence of essential conditions of validity. Addressing this challenge requires careful consideration of potential legal reforms, including the development of new conceptual models that reconcile technological innovation with established legal principles, while ensuring that any transformation in the recognition of artificial intelligence within legal systems remains consistent with the

normative foundations of both jurisprudence and civil law.

References

- Ahmadi, S. A.-A., Darayi, M., Salamzadeh, A., & Jafari, M. (2013). Artificial Intelligence and Business Opportunities: Identifying the Functions of Artificial Intelligence in Creating Competitive Advantage for Technology-Based Businesses (A Study of the Computer Games Industry). *Journal of Entrepreneurship Development*, 6(2), 7-26.
- Arasteh, H. (2017). Virtual University. *Rahyaf*(28).
- Bakouei, F., & Zende Rouh, S. (2007). Book of Science and Technology of the Month. *Ketab-e Mah-e Olum va Fonoun*(99), 29-30.
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dehkhoda Dictionary*. University of Tehran.
- Katouzian, N. (1990). *Testament in Iranian Civil Law*. Sherkat-e Sahami-ye Enteshar.
- Katouzian, N. (2016). *Specific Contracts*. Sherkat-e Sahami-ye Enteshar.
- Matlabi, K. (2014). A Philosophical Examination of the Possibility of Strong Artificial Intelligence in Light of Different Views on the Mind-Body Problem. (1), 173-196.
- Nouri, M. A., & Nakhjavani, R. (2017). *Electronic Commerce Law* (1 ed.). Ganj Danesh Library.
- Qaemi-Nia, A. (2006). Religion and Artificial Intelligence. *Zehn*, 7(25), 23-26.
- Safaei, S. H. (2000). *Introductory Civil Law Course: General Rules of Contracts*. Mizan.
- Saleh-Abadi, R., Rasekh, M., & Talebpour, A. (2019). *Determining the Scope of Artificial Intelligence Research from the Perspective of Rights and Public Interest*. Shahid Beheshti University, Faculty of Law.
- Sarabadani, A., & Amir, F. (2018). *Artificial Intelligence and Expert Systems*. Jaliz Publishing.
- Shayegan, S. A. (1945). *Civil Law of Iran* (3 ed.). Taha Publications.
- Whitby, B., Majdfar, H., & Bahrani, A. (2017). *Artificial Intelligence Made Simple*.